

اثرات تجویز فورمونوتین حاصل از شبدر قرمز در دوره نوزادی بر برخی شاخص‌های دو شکلی جنسی موش‌های کوچک آزمایشگاهی

دکتر رحمت اله پرن‌دین، لیلی محمدی

دانشکده علوم، گروه زیست‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نشانی مکاتبه‌ی نویسنده‌ی مسئول: تهران، بزرگراه ارتش، خیابان نخل، سازمان مرکزی دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم، گروه زیست‌شناسی، دکتر رحمت‌اله پرن‌دین؛
 e-mail: rahmatparandin@pnu.ac.ir

چکیده

مقدمه: فورمونوتین، یک فیتواستروژن موجود در گیاهانی مثل شبدر قرمز است که ساختمان شیمیایی مشابه استرادیول دارد. هدف این مطالعه بررسی مواجهه فورمونوتین حاصل از شبدر قرمز در دوره نوزادی بر شاخص‌های دوشکلی جنسی موش بود. مواد و روش‌ها: در این تحقیق تجربی، نوزادان نر و ماده موش‌های کوچک آزمایشگاهی به‌طور تصادفی (n=8) به گروه‌های کنترل، شاهد و فورمونوتین با دوزهای ۵، ۵۰ و ۵۰۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم به صورت زیرجلدی در روزهای ۱ تا ۵ پس از تولد تقسیم شدند. پس از بررسی سن آغاز بلوغ، شاخص‌های چرخه‌ی استروس، فاصله آنوژیتال، رفتار جنسی، ترجیح ساختارین و هورمون‌های جنسی بررسی شدند. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS و آنالیز واریانس یک‌طرفه در سطح معناداری $p < 0/05$ تحلیل شدند. یافته‌ها: در موش‌های ماده گروه ۵۰۰ فورمونوتین ($p < 0/01$) بلوغ زودرس و در موش‌های نر گروه‌های ۵۰ ($p < 0/05$) و ۵۰۰ فورمونوتین ($p < 0/01$) بلوغ با تاخیر اتفاق افتاد. میانگین مدت چرخه‌ی استروس در گروه ۵۰۰ ($p < 0/05$) افزایش یافت. فاکتور لوردوز موش‌های ماده و تعداد مونت موش‌های نر کاهش یافته ($p < 0/001$) و مدت زمان سپری شده تا انجام اولین مونت موش‌های نر گروه ۵۰۰ فورمونوتین ($p < 0/001$) افزایش یافت. درصد ترجیح ساختارین موش‌های ماده گروه‌های ۵۰ ($p < 0/05$) و ۵۰۰ فورمونوتین ($p < 0/01$) کاهش یافت. به علاوه افزایش غلظت استرادیول گروه‌های ۵۰ ($p < 0/01$) و ۵۰۰ ($p < 0/001$) و کاهش غلظت تستوسترون در گروه ۵۰۰ فورمونوتین ($p < 0/01$) در مقایسه با گروه کنترل مشاهده گردید. نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق حاضر نشان داد که تجویز فورمونوتین در دوره نوزادی موش‌ها می‌تواند منجر به ایجاد شاخص‌ها و رفتارهای دوشکلی جنسی گردد.

واژگان کلیدی: فورمونوتین، دوشکلی جنسی، استروژن، موش کوچک آزمایشگاهی

دریافت مقاله: ۹۷/۷/۸ - دریافت اصلاحیه: ۹۷/۱۲/۱۷ - پذیرش مقاله: ۹۷/۱۲/۲۱

مقدمه

فیتواستروژن‌ها، ترکیبات پلی فنولیک و غیراستروئیدی گیاهی هستند که دارای ساختار مشابه با استروژن‌های پستانداران به‌ویژه هورمون استرادیول بوده و توانایی تحریک یا مهار گیرنده‌های استروژن را دارند. فیتواستروژن‌ها در برخی منابع غذایی گیاه‌خواران به وفور یافت می‌شوند. مطالعات مختلف، اثرات سودمند فیتواستروژن‌ها را بر برخی جنبه‌های سلامت عمومی بدن از جمله در سیستم قلبی-عروقی، سیستم ایمنی، پوکی

استخوانⁱ، رگ‌سازیⁱⁱ، دیابت و آوزوموتورⁱⁱⁱ نشان داده‌اند. به علاوه خواص آنتی‌اکسیدانتی، ضد سرطانی^{iv}، ضدالتهاپی و پروبیوتیک این ترکیبات نیز گزارش شده است.^{۱،۲} با این- حال برخی مطالعات نشان داده‌اند که فیتواستروژن‌ها به عنوان جزئی از ترکیبات مداخله‌گر اندوکرینی^v قادر به مداخله در رشد و تکوین سیستم نورواندوکرین^{vi} هستند. هم‌اکنون

i - Osteoporosis

ii - Angiogenesis

iii - Vasomotor

iv - Antineoplastic

v - Endocrine disrupting compounds

vi - Neuroendocrine system

گردد.^۶ به علاوه تیمار موش‌های صحرایی ماده در دوره نوزادی با فیتواستروژن کامسترول^{vii} موجب سرکوب رفتارهای دوشکلی لوردوز و چرخه استروس در بزرگسالی می‌شود.^۸

ایزوفلاونوئید فورمونوتین یک فیتواستروژن موجود در برگ گیاهانی مثل شبدر قرمز (*Trifolium pratense* L) و ریشه‌گون و شیرین بیان است که به دلیل ساختمان شیمیایی مشابه استرادیول، توانایی اتصال به گیرنده‌های استروژن را دارد. فورمونوتین به میزان کمتری در گیاهان خوراکی مثل سویا، لوبیا، گل کلم و نخود سبز نیز یافت می‌شود.^۹ شبدر قرمز در نقاط مختلفی از جهان کاشته شده یا به‌طور خودرو پراکنده‌گی داشته و ارزش غذایی زیادی به‌ویژه برای نشخوارکنندگان دارد.^{۱۰} در مطالعات پیشین اثرات سودمند مکمل‌های غذایی حاصل از شبدر قرمز بر گر گرفتگی، پوکی-استخوان و سایر عوارض ناشی از یائسگی گزارش شده است.^{۱۱} به علاوه اثرات ضد میکروبی، کاهش سطح چربی خون، نوروپروتکتیو، آنتی‌اکسیدان و ضد تومور فورمونوتین نشان داده شده است.^۹ در مطالعات دیگری اثرات این ایزوفلاونوئید به عنوان عامل مهار کننده چربی-سازی و کاهش چربی و وزن بدن^{۱۲} و هم‌چنین رگ‌سازی از راه تحریک گیرنده‌های استروژنی^{۱۳} بیان شده است. همین-طور بررسی‌های متعدد بر خاصیت استروژنیک فورمونوتین تاکید فراوانی دارند.^{۱۰،۱۱}

با توجه به تاثیرات برخی ترکیبات شبه‌استروژنی در دوره‌های حساس زندگی بر شاخص‌های دوشکلی جنسی و از آنجایی که تاکنون مطالعه‌ای در ارتباط با اثرات فورمونوتین در این خصوص انجام نشده است، بنابراین مطالعه حاضر بر تیمار نوزادی فورمونوتین و اثرات آن بر برخی مشخصات دوشکلی جنسی در موش‌های جنس نر و ماده بالغ متمرکز گردید.

مواد و روش‌ها

تهیه فورمونوتین از شبدر قرمز

پس از جمع‌آوری شبدر قرمز (*Trifolium pratense* L) از مزارع استان کرمانشاه و تایید در آزمایشگاه بیوسیستماتیک گیاهی دانشگاه پیام نور کرمانشاه (کد هرباریومی: ۱۱/۱۳۹۶)، در سایه خشک گردید. حدود ۱۵

اختلالات تولیدمثلی، رفتاری و سرطان‌های وابسته به هورمون به دنبال مصرف یا مواجهه با فیتواستروژن‌ها در انسان، احشام و جوندگان گزارش شده است.^{۱۲} برخی فیتواستروژن‌ها به‌ویژه ایزوفلاونوئیدها به مقدار قابل توجهی در مکمل‌های غذایی نوزادان یافت می‌شوند یا ممکن است از راه شیر مادر به نوزادان منتقل شوند.^۲ اما یکی از عوارض و نگرانی‌های روزافزون ترکیبات مداخله‌گر اندوکرینی به‌ویژه فیتواستروژن‌ها، اثرات آن‌ها بر خصوصیات دوشکلی جنسی^۱ است که توجه کمتری به آن شده است. درحقیقت هورمون-های جنسی به عنوان مهمترین فاکتورهای اثرگذار بر تفاوت-های جنسی در سازماندهی مغز و مدارهای نورواندوکرینی در طی دوره‌های اواخر جنینی و اوایل تولد نقش مهمی ایفا می‌کنند. بنابراین هرگونه افزایش یا کاهش هورمون‌های درون‌زاد یا مواجهه با ترکیبات مداخله‌گر اندوکرینی در دوره‌های بحرانی هورمونی، می‌تواند سازماندهی طبیعی مغز و مدارهای نورواندوکرینی را با اختلال جدی مواجه کرده و بر دوشکلی جنسی اثر بگذارد. تاکنون اثر چند فیتواستروژن بر تکوین مغز و رفتار جنسی در مدل‌های حیوانی بررسی شده است.^{۶-۴} به عنوان مثال هسته پره‌اپتیکⁱⁱ در هیپوتالاموس یک ناحیه دوشکلی جنسی است که در جوندگان نر تقریباً ۳ تا ۵ برابر بزرگتر از جوندگان ماده می‌باشد. هم‌چنین، هسته پیش‌بطنی جلویی شکمیⁱⁱⁱ در هیپوتالاموس نیز یک هسته دوشکلی جنسی است که در جوندگان ماده دارای اندازه بزرگتری نسبت به نر می‌باشد و در موج LH (هورمون زردینه‌ساز) پیش از تخمک‌گذاری اهمیت فراوانی دارد. مواجهه موش‌های صحرایی نر در دوره نوزادی با فیتواستروژن رزوراترول^{iv} موجب مادینه شدن^v (نزیه زدایی^{vi}) این هسته‌ها (کاهش حجم هسته پره‌اپتیک و افزایش حجم هسته پیش‌بطنی جلویی شکمی) و سرکوب رفتار جنسی در بزرگسالی می‌شود.^v همین‌طور مواجهه نوزادی جوندگان ماده با فیتواستروژن جنیستین موجب تغییر در حجم این هسته‌ها و تعداد نوروئین‌های آن و اختلال در رفتارهای جنسی مربوط به هر دو جنس نر و ماده می-

i - Sexual dimorphic

ii - Preoptic nucleus

iii - Anteroventral periventricular nucleus (AVPV)

iv - Resveratrol

v - Feminization

vi - Demasculinization

vii - Coumestrol

بررسی آغاز بلوغ

زاده‌ها در روز ۲۱ پس از تولد از شیر مادر محروم شده و جنس‌های نر از ماده جدا شدند. از روز ۲۴ پس از تولد، فرزندان جنس ماده با مشاهده چشمی بازشدن واژنⁱ و از روز ۳۳ پس از تولد، فرزندان جنس نر با مشاهده جدایی پوست ختنه‌گاهⁱⁱ جهت تشخیص آغاز سن بلوغ مورد بررسی قرار گرفتند. این دو شاخص خارجی بدن نشان‌دهنده فعال شدن محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-گناد و آغاز سن بلوغ جنسی به ترتیب در جوندگان ماده و نر می‌باشند. روزانه بین ساعت ۸ تا ۱۱ صبح موش‌های ماده از طریق مشاهده چشمی ایجاد شکاف طولی در واژن و در موش‌های نر ایجاد برجستگی تناسلی با استفاده از یک لوپ چشمی بررسی گردید. جدایی پوست ختنه‌گاه با ایجاد انقباض و جمع‌شدگی در ناحیه ختنه‌گاه در نتیجه شاخی‌شدن سلول‌های پوششی این ناحیه به دنبال افزایش تستوسترون در حدود روز ۴۰ پس از تولد اتفاق می‌افتد.^{۱۶-۱۴}

چرخه استروس

جهت بررسی چرخه استروس، اولین استروس در موش‌ها با مشاهده سلول‌های شاخی‌شده در حدود ۲ تا ۱۰ روز پس از مشاهده بازشدن واژن اتفاق می‌افتد. چرخه استروس به صورت روزانه بین ساعت ۸ تا ۱۰ صبح با مشاهده اسمیر واژن تا ۳۰ روز پس از اولین مشاهده سلول‌های شاخی‌شده بررسی شد. به‌طور خلاصه، اسمیرهای واژن از موش‌های ماده با استفاده از سوآپ آغشته با محلول نرمال سالین ۰/۹ درصد بدست آمد و بر روی لام شیشه‌ای تمیز، گسترش تهیه شده و با رنگ متیلن بلو (شرکت سیگما) ۱ درصد رنگ‌آمیزی و سپس با کمک میکروسکوپ نوری (Olympus Bx51، ژاپن) مشاهده انجام شد. چرخه استروس کامل در موش‌ها ظرف مدت ۴ تا ۵ روز اتفاق افتاده و به ۴ مرحله به صورت زیر تقسیم می‌شود: ۱- مرحله پرواستروس که در طی آن سلول‌های پوششی هسته‌دار غالب هستند. ۲- مرحله استروس؛ این مرحله با حضور سلول‌های پوششی شاخی‌شده بدون هسته مشخص می‌شود. ۳- مرحله متاستروس که در این مرحله مخلوطی از انواع سلول‌ها شامل لوکوسیت‌ها، سلول‌های پوششی هسته‌دار و سلول‌های پوششی شاخی‌شده مشاهده

کیلوگرم نمونه خشک شده برای مدت ۲۴ ساعت در اتانول ۸۰ درصد قرار گرفت و سپس برای مدت ۴ ساعت جوشانده شد. محصول حاصل پس از سرد شدن با استفاده از کاغذ صافی (واتمن شماره ۱) فیلتر گردید. در ادامه، محصول فیلتر شده به مدت ۲۴ ساعت در حلال اتیل‌استات خیسانده شد و پس از خشک شدن حدود ۳۰ گرم از محصول به‌دست آمده در متانول حل شد و سپس با سیلیکاژل مخلوط گردید. سیلیکاژل توسط کلروفرم و متانول (با نسبت ۱:۳) شستشو داده شد و از کروماتوگرافی لایه نازک برای جداسازی ترکیب استفاده گردید. رسوب حاصل مجدداً با سیلیکاژل تصفیه و شستشو گردید و حدود ۵ گرم فورمونونین سفید رنگ پس از تبلور مجدد بدست آمد.^{۱۱}

حیوانات، گروه‌بندی و تجویز عصاره

در این تحقیق به ترتیب از تعداد ۱۰ و ۲۰ سر موش کوچک آزمایشگاهی نر و ماده از نژاد BALB/c و حدوداً ۳ ماهه با وزن ۲۴ تا ۳۳ گرم که از مرکز پرورش حیوانات دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه تهیه شده بودند، استفاده شد. موش‌ها در قفس‌های پلاستیکی استاندارد در شرایط ۱۲ ساعت روشنایی/۱۲ ساعت تاریکی، رطوبت ۵۰±۵ درصد و دمای ۲۲±۱ درجه سانتی‌گراد با دسترسی آزادانه به آب و غذا نگهداری شدند. هر موش نر با دو موش ماده هم‌قفس شده و در صبح روز بعد در صورت مشاهده حضور اسپرم در بررسی اسمیر واژینال، به عنوان روز اول حاملگی ثبت گردید. پس از زایمان، تمامی زاده‌ها جهت بررسی سلامت، روزانه وزن شدند. در مجموع ۸۰ نوزاد شامل ۴۰ نوزاد نر و ۴۰ نوزاد ماده به‌طور تصادفی به ۵ گروه نر (n=۸) و ۵ گروه ماده (n=۸) و هر جنس شامل گروه‌های کنترل (فاقد تیمار)، شاهد (روغن کنجد به عنوان حلال فورمونونین) و سه گروه آزمون دریافت‌کننده فورمونونین با دوزهای ۵، ۵۰ و ۵۰۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم وزن بدن تقسیم شدند. کلیه تجویزها از روز ۱ تا ۵ پس از تولد به صورت زیرجلدی و به پشت گردن نوزادان انجام شد. دوزهای مورد استفاده بر مبنای مطالعه پیشین با اندکی تغییر استفاده شدند.^{۱۳} مراحل مختلف آزمایش مطابق با آیین نامه اخلاق زیستی دانشگاه پیام نور و با تایید کمیته ملی اخلاق در پژوهش‌های زیست پزشکی (شناسه اخلاق: IR.PNU.REC.1397.013) انجام گرفت.

i - Vaginal opening

ii - Balano-preputial separation

آزمون ترجیح ساخارین (saccharin preference test)
مقدار مصرف ساخارین (شیرین‌کننده غیرکالریک) یک رفتار دوشکلی جنسی در جوندگان می‌باشد، به طوری که میزان مصرف آن در موش‌های ماده نسبت به نر بیشتر است. ابتدا به منظور عادت‌سازی، موش‌های حدوداً ۷۰ روزه برای مدت ۴۸ ساعت علاوه بر غذا به جای آب، تنها در معرض بطری حاوی محلول ساخارین ۱ درصد (حل شده در آب شهری) قرار گرفتند. پس از عادت، موش‌ها به مدت ۶ ساعت از مصرف هرگونه نوشیدنی محروم شدند و سپس در معرض استفاده هم‌زمان از هر دو بطری آب شهری و محلول ساخارین ۱ درصد قرار گرفتند. میزان مصرف نوشیدنی برای مدت ۲۴ ساعت در بطری‌ها بر حسب وزن ثبت گردید و مطابق فرمول زیر درصد ترجیح ساخارین برای هر گروه محاسبه شد.^{۱۹}

میزان مصرف محلول ساخارین

$$\times 100 = \frac{\text{میزان مصرف آب شهری} + \text{میزان مصرف محلول ساخارین}}{\text{میزان مصرف آب شهری}} = \text{درصد ترجیح ساخارین}$$

هورمون سنجی

ابتدا موش‌های نر و ماده ۳ ماهه (در مرحله دی‌استروس از چرخه جنسی) با کتامین ۱۰ درصد (۸۰ mg/kg) و زایلازین ۲ درصد (۱۰ mg/kg) بی‌هوش شده، در ادامه شکم حیوانات را باز کرده و خون از بطن چپ قلب با استفاده از سرنگ ۲ cc جمع‌آوری گردید. پس از لخته شدن خون و سانتریفیوژ به مدت ۱۵ دقیقه با سرعت ۳۰۰۰ دور، سرم خون تا زمان سنجش هورمونی در فریزر ۲۰- نگه‌داری شد. سطح سرمی هورمون‌های تستوسترون و استرادیول با روش الیزا و توسط کیت تشخیص هورمونی (رادیم، ایتالیا) بر اساس دفترچه راهنمای استفاده از آن اندازه‌گیری شد.

تحلیل آماری

تحلیل نتایج و رسم نمودارها با کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ انجام گرفت. برای تعیین نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. با توجه به نرمال بودن داده‌های حاصل از نتایج شاخص‌های بررسی آغاز بلوغ، فاصله آنژنییتال، آزمون ترجیح ساخارین و سنجش هورمون‌ها، جهت مقایسه میانگین‌های مشاهده شده در هریک از گروه‌ها از آزمون پارامتریک آنالیز واریانس یک‌طرفه و آزمون تعقیبی توکی استفاده شد. همین‌طور با

می‌گردد. ۴- مرحله دی‌استروس که در این مرحله لوکوسیت‌ها غالب هستند.^{۱۶}

بررسی فاصله آنژنییتال

فاصله آنژنییتالⁱ به عنوان یک شاخص (دوشکلی جنسیتی) نرینه سازیⁱⁱ/ماده سازیⁱⁱⁱ که در جوندگان جنس نر تقریباً دو برابر جنس ماده می‌باشد، اندازه‌گیری و ثبت گردید. فاصله آنژنییتال به صورت زیر تعریف می‌شود: "فاصله بین انتهای قدامی مخرج تا انتهای خلفی برجستگی تناسلی^{iv}" که با استفاده از یک کولیس در موش‌های ۷۰ روزه روزه اندازه‌گیری و ثبت شد.^{۱۷،۱۸}

بررسی رفتار جنسی

رفتار جنسی موش‌های حدوداً سه ماهه در آکواریوم شیشه‌ای به ابعاد ۴۰ سانتی‌متر طول، ۳۰ سانتی‌متر ارتفاع و ۲۵ سانتی‌متر عرض که کف آن با خاک اره پوشیده شده بود بررسی شد.

برای بررسی رفتار جنسی ماده‌ها، هر موش ماده در کنار یک موش نر هم‌نژاد و تقریباً هم‌سن که قابلیت باروری آن قبلاً به اثبات رسیده بود، قرار می‌گرفت. در ادامه پاسخ‌های لوردوز (وضعیت قوس کمر موش ماده جهت پذیرش جنسی موش نر برای جفت‌گیری) موش ماده نسبت به تعداد مونت (سوار شدن موش نر بر موش ماده جهت انجام جفت‌گیری) موش نر ثبت گردید. تست تا زمان انجام ۱۰ مونت به طول انجامید و برای مدت ۳ روز متوالی در ساعت ۹ شب انجام شد و میانگین ثبت گردید و در نهایت فاکتور لوردوز با استفاده از فرمول زیر به دست آمد:^{۱۶}

$$\times 100 = \frac{\text{تعداد پاسخ لوردوز موش ماده}}{\text{تعداد مونت موش نر}} = \text{فاکتور لوردوز}$$

برای بررسی رفتار جنسی نرها، هر موش نر با یک موش ماده هم‌نژاد و تقریباً هم‌سن که توانایی رفتار جنسی آن قبلاً به اثبات رسیده بود، هم‌قفس شده و زمان سپری شده تا انجام اولین مونت و تعداد مونت‌ها در زمان ۴۰ دقیقه برای موش نر ثبت گردید.

i - Anogenital distance (AGD)

ii - Masculinization

iii - Feminization

iv - Genital papilla

توجه به نرمال نبودن داده‌های حاصل از نتایج شاخص‌های بررسی چرخه استروس، فاکتور لوردوز، زمان سپری شده تا انجام اولین مونت و تعداد مونت، مقایسه میانگین‌ها در هریک از گروه‌ها با استفاده از آزمون‌های غیرپارامتریک کروسکال-والیس و یومان ویتنی تجزیه و تحلیل شدند و سطح معناداری $p < 0.05$ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

نتایج حاصل از بررسی آغاز بلوغ، چرخه استروس و فاصله آنوژنیال میانگین روز بازشدن واژن در موش‌های کنترل و شاهد به ترتیب $34/25$ و $33/87$ روز پس از تولد بود و میانگین آن

در گروه‌های ۵، ۵۰ و ۵۰۰ فورمونوتین به ترتیب $33/75$ ، $33/87$ و $31/12$ روز پس از تولد بود. بازشدن واژن به‌طور معناداری در گروه ۵۰۰ فورمونوتین، سریع‌تر ($p < 0.01$) از گروه کنترل اتفاق افتاد (جدول ۱). میانگین روز جدایی پوست ختنه‌گاه در موش‌های گروه‌های کنترل و شاهد به ترتیب $42/50$ و $42/12$ روز پس از تولد بود و میانگین آن در گروه‌های ۵، ۵۰ و ۵۰۰ فورمونوتین به ترتیب $42/25$ ، $46/25$ و $46/62$ روز پس از تولد بود. جدایی پوست ختنه‌گاه به‌طور معناداری ($p < 0.01$) در گروه‌های ۵۰ و ۵۰۰ فورمونوتین در مقایسه با گروه کنترل با تاخیر مشاهده شد (جدول ۱).

جدول ۱- مقایسه تاثیر تیمارهای نوزادی (۵-۱ روزگی) فورمونوتین بر سن آغاز بلوغ جنسی، چرخه استروس و فاصله آنوژنیال در گروه‌های مورد مطالعه

گروه‌ها					شاخص‌های ارزیابی
فورمونوتین (میلی‌گرم بر کیلوگرم وزن بدن)					
۵۰۰	۵۰	۵	شاهد	کنترل	
$31/12 \pm 0/76^{\dagger}$	$33/87 \pm 0/44$	$33/75 \pm 0/59$	$33/87 \pm 0/40$	$34/25 \pm 0/65$	بازشدن واژن (روز)
$46/62 \pm 0/75^{\dagger}$	$46/25 \pm 0/65^{\circ}$	$42/25 \pm 0/86$	$42/12 \pm 0/58$	$42/50 \pm 0/82$	جدایی پوست ختنه‌گاه (روز)
$7/50 \pm 0/46^{\ddagger}$	$0/37 \pm 0/32$	$4/75 \pm 0/16$	$4/50 \pm 0/19$	$4/62 \pm 0/18$	میانگین مدت چرخه استروس (روز)
۱۲/۵	۶۲/۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	موش‌های با چرخه استروس طبیعی (%)
$0/67 \pm 0/19$	$0/70 \pm 0/16$	$0/69 \pm 0/18$	$0/61 \pm 0/15$	$0/36 \pm 0/14$	فاصله آنوژنیال ماده (میلی‌متر)
$12/86 \pm 0/25$	$13/07 \pm 0/16$	$12/99 \pm 0/29$	$12/75 \pm 0/22$	$13/12 \pm 0/26$	فاصله آنوژنیال نر (میلی‌متر)

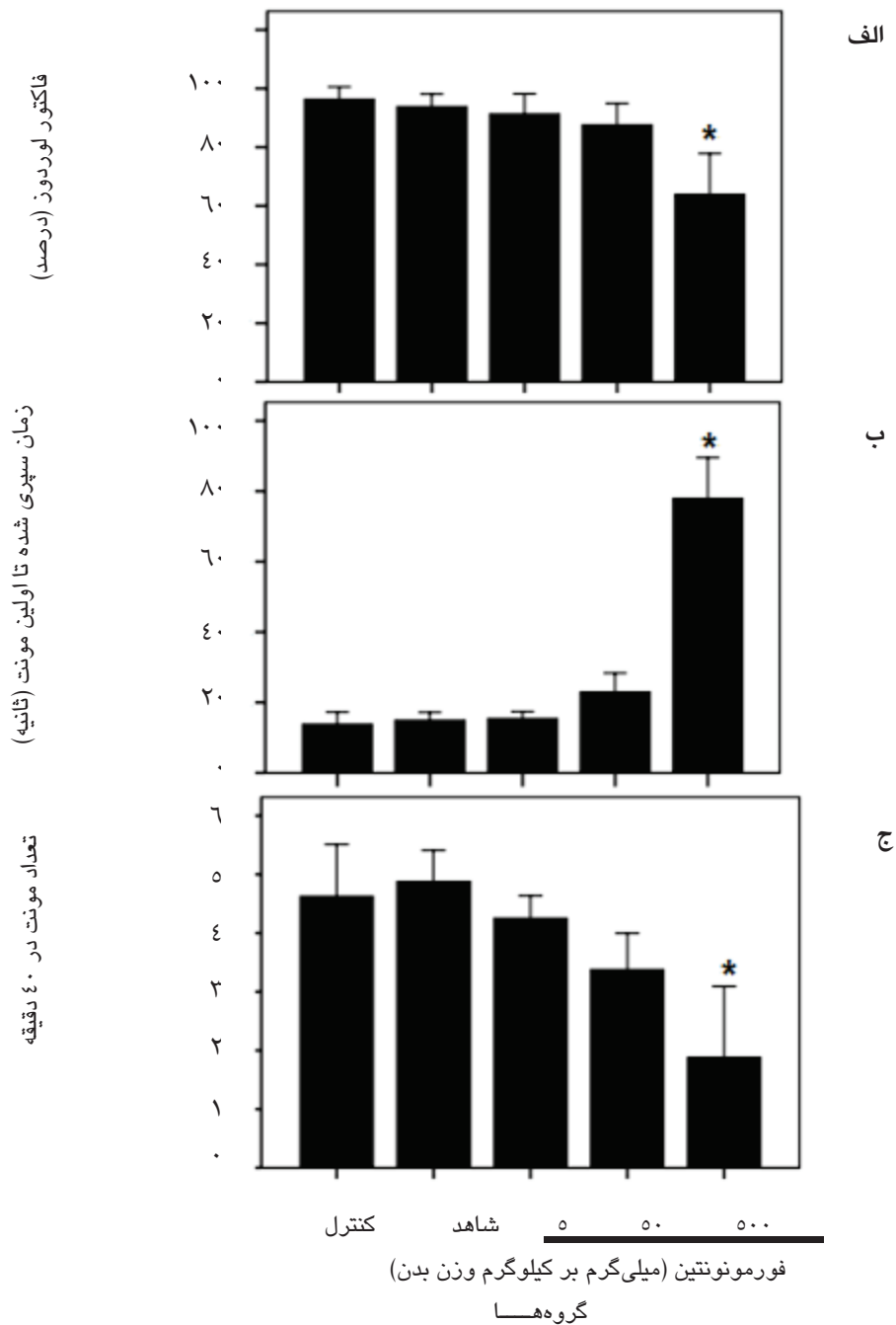
*، † و ‡ به ترتیب نشان‌دهنده وجود اختلاف معنادار ($p < 0.05$)، ($p < 0.01$) و ($p < 0.001$) با گروه کنترل. تعداد موش‌ها در هر گروه ۸ سر بود و داده‌ها به صورت میانگین \pm خطای استاندارد نشان داده شده‌اند.

نتایج حاصل از بررسی رفتار تولیدمثلی

در بررسی رفتار جنسی موش‌های ماده، با توجه به نمودار شماره ۱-الف، درصد فاکتور لوردوز در گروه ۵۰۰ فورمونوتین به‌طور معناداری در مقایسه با گروه کنترل کاهش یافت ($p < 0.01$). در بررسی رفتار جنسی موش‌های نر، افزایش معناداری در مدت زمان تا انجام اولین مونت در گروه ۵۰۰ فورمونوتین و در مقایسه با گروه کنترل مشاهده گردید ($p < 0.01$) (نمودار شماره ۱-ب). در همین رابطه، کاهش معناداری در تعداد مونت در گروه ۵۰۰ فورمونوتین در مقایسه با گروه کنترل مشاهده گردید ($p < 0.01$) (نمودار شماره ۱-ج).

به‌طور متوسط طول مدت چرخه استروس در موش‌های گروه‌های کنترل و شاهد به ترتیب $4/62$ و $4/50$ روز و میانگین آن در گروه‌های ۵، ۵۰ و ۵۰۰ فورمونوتین به ترتیب $4/75$ ، $5/37$ و $7/50$ روز طول کشید. طول مدت چرخه استروس به‌طور معناداری در گروه ۵۰۰ فورمونوتین، طولانی‌تر ($p < 0.01$) از گروه کنترل مشاهده گردید (جدول ۱). همین‌طور در حالی که تمامی موش‌های گروه‌های کنترل، شاهد و ۵ فورمونوتین دارای چرخه استروس طبیعی بودند، $62/5$ درصد موش‌های گروه ۵۰ فورمونوتین و تنها $12/5$ درصد موش‌های گروه ۵۰۰ فورمونوتین دارای چرخه‌های طبیعی استروس بودند (جدول ۱).

فاصله آنوژنیال در موش‌های نر و ماده گروه‌های شاهد و تحت درمان با دوزهای مختلف فورمونوتین تفاوت معناداری را با گروه کنترل نشان ندادند (جدول ۱).



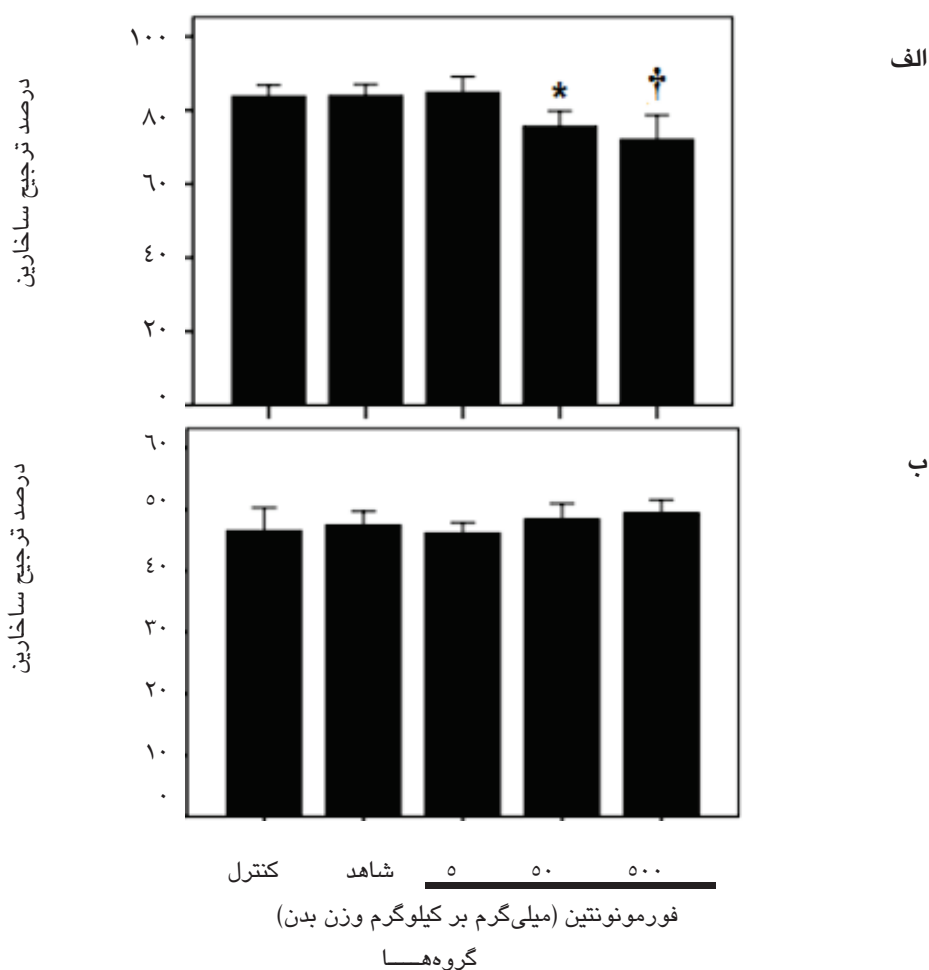
نمودار ۱- تاثیر تجویز فورمونوتین در دوره نوزادی (۵-۱ روزگی) بر فاکتور لوردوز (الف)، زمان سپری شده تا انجام اولین مونت (ب) و تعداد مونت (ج) در موش‌های کوچک آزمایشگاهی.*

نشان دهنده وجود اختلاف معنادار ($p < 0.001$) با گروه کنترل. تعداد موش‌ها در هر گروه ۸ سر بود و داده‌ها به صورت میانگین \pm خطای استاندارد نشان داده شده‌اند.

موش‌های نر، علی‌رغم افزایش جزئی در گروه‌های ۵۰ و ۵۰۰ فورمونوتین در مقایسه با گروه کنترل، اختلاف معناداری بین گروه‌ها مشاهده نشد (نمودار شماره ۲).

نتایج حاصل از بررسی آزمون ترجیح ساختارین

در موش‌های ماده، کاهش معناداری در درصد ترجیح ساختارین در گروه‌های ۵۰ ($p < 0.05$) و ۵۰۰ فورمونوتین ($p < 0.01$) در مقایسه با گروه کنترل مشاهده شد، اما در



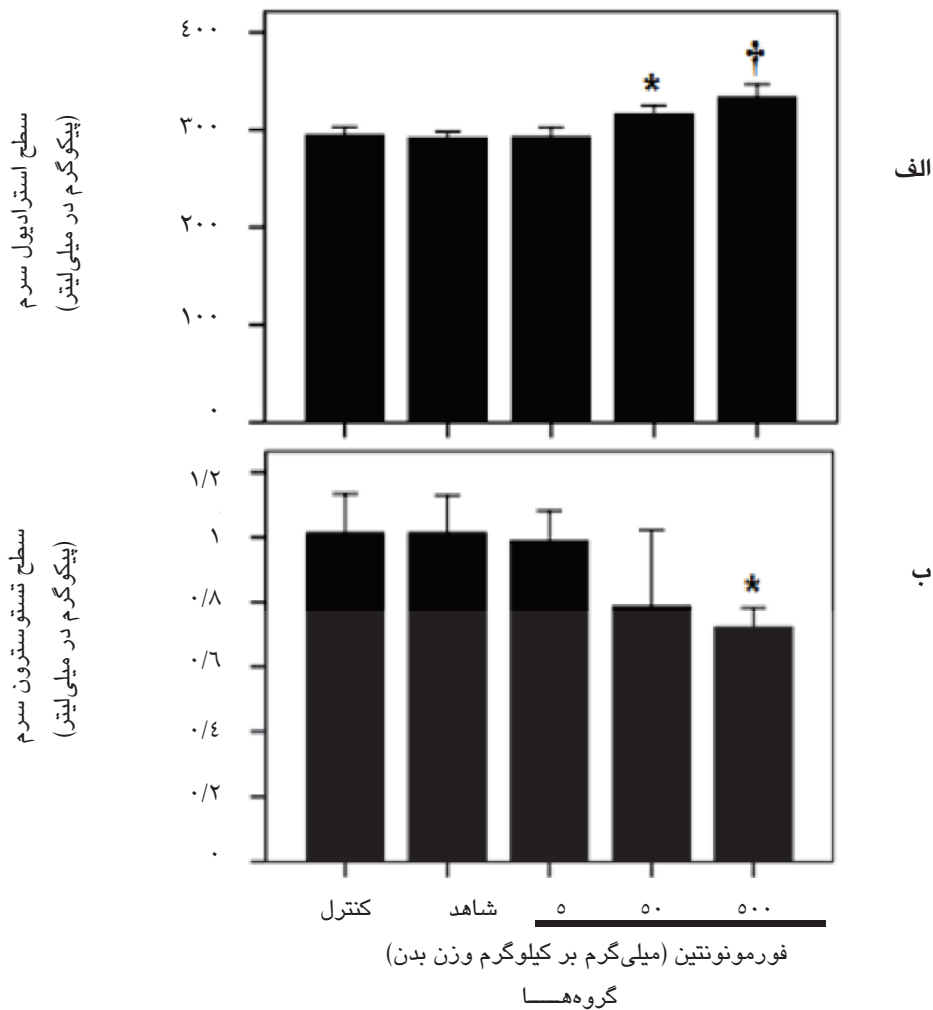
نمودار ۲- تاثیر تجویز فورمونوتین در دوره نوزادی (۵-۱ روزگی) بر درصد ترجیح مصرف محلول ساخارین در موش‌های کوچک آزمایشگاهی ماده (الف) و نر (ب).

* و † به ترتیب نشان‌دهنده وجود اختلاف معنادار $p < 0.05$ و $p < 0.01$ با گروه کنترل. تعداد موش‌ها در هر گروه ۸ سر بود و داده‌ها به صورت میانگین \pm خطای استاندارد معیار نشان داده شده‌اند.

نتایج حاصل از بررسی هورمونی

در موش‌های ماده، سطح هورمون استرادیول در گروه‌های ۵۰ ($p < 0.01$) و ۵۰۰ فورمونوتین ($p < 0.001$) به‌طور معناداری در مقایسه با گروه کنترل افزایش یافت (نمودار شماره ۳-الف). در موش‌های نر، سطح هورمون تستوسترون در گروه ۵۰۰ فورمونوتین در مقایسه با گروه کنترل به‌طور معناداری ($p < 0.01$) کاهش یافت، اما در گروه ۵۰

فورمونوتین علی‌رغم کاهش چشم‌گیر این هورمون در مقایسه با گروه کنترل، اختلاف معناداری مشاهده نشد (نمودار شماره ۳-ب).



نمودار ۳- تاثیر تجویز فورمونونتین در دوره نوزادی (۵-۱ روزگی) بر (الف) سطح هورمون استرادیول در موش‌های کوچک آزمایشگاهی ماده و بر (ب) سطح هورمون تستوسترون در موش‌های کوچک آزمایشگاهی نر.

* و † به ترتیب نشان‌دهنده وجود اختلاف معنادار $p < 0.01$ و $p < 0.001$ با گروه کنترل. تعداد موش‌ها در هر گروه ۸ سر بود و داده‌ها به صورت میانگین \pm خطای استاندارد نشان داده شده‌اند.

منجر به تاخیر در بلوغ جنسی، کاهش رفتار جنسی و کاهش سطح هورمون تستوسترون می‌شود.

تجویز نوزادی فورمونونتین در موش‌های ماده، موجب بازشدن زودتر از موعد واژن و در نتیجه بلوغ زودرس و در موش‌های نر، موجب تاخیر در جداسدن پوست ختنه‌گاه و در نتیجه بلوغ دیررس شد. تعدادی از مطالعات حکایت از آن دارند که افزایش وزن و چاقی به علت افزایش توده چربی بدن می‌تواند موجب بلوغ زودرس و کاهش وزن و لاغری موجب بلوغ دیررس گردد.^{۲۰،۲۱} در این مطالعه، در بررسی

بحث

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که تیمار نوزادی فورمونونتین حاصل از شبدر قرمز به‌ویژه با دوز ۵۰۰ میلی-گرم به ازای هر کیلوگرم وزن بدن در موش‌های ماده منجر به بلوغ زودرس، اختلال در چرخه استروس، کاهش رفتار جنسی، کاهش درصد ترجیح ساخارین و افزایش سطح هورمون استرادیول می‌گردد. این تیمار در موش‌های نر

وزن در سن بلوغ و دوران پس از بلوغ، تغییرات معناداری در وزن بدن بین گروه‌های تیماری با گروه کنترل مشاهده نگردید (به علت عدم بروز تغییرات وزن در مقایسه بین کلیه گروه‌ها نتایج آن نشان داده نشد). می‌توان گفت که ارتباطی بین وزن بدن و تغییر در سن آغاز بلوغ در مطالعه حاضر استنباط نمی‌شود. موش‌های گروه کنترل و شاهد چرخه‌های استروس طبیعی (۴ تا ۵ روزه) را نشان دادند، در صورتی‌که در موش‌های تحت درمان با فورمونوتین (به‌ویژه با دوز بالاتر)، چرخه‌های استروس مختل شده (طولانی شده) و در مجموع تعداد چرخه‌های کمتری را نشان دادند. مشاهدات این مطالعه هم‌راستا با مشاهدات فیتواستروژن‌های دیگر از جمله کامسترو^۱، جنیستین^{۲۲} و زیرالون^{۲۳} (نوعی استروژن قارچی) می‌باشد.

تنظیم آغاز بلوغ و به دنبال آن تنظیم چرخه جنسی تحت کنترل سیستم نورواندوکرین و فعال‌سازی هورمونی محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-گناد می‌باشد که تا پیش از سن بلوغ خاموش است. مهمترین نوروهورمون دخیل در تنظیم آغاز بلوغ و چرخه استروس، هورمون آزاد کننده گنادوتروپین (GnRH) در هیپوتالاموس می‌باشد که موجب تحریک ترشح هورمون‌های LH و FSH از هیپوفیز پیشین می‌شود. LH با اثر بر گنادهای نر و ماده باعث تولید و ترشح هورمون‌های جنسی استروژن از تخمدان و تستوسترون از بیضه‌ها می‌شود. افزایش ترشح هورمون‌های جنسی در سن بلوغ نیز موجب بروز تغییرات وابسته به جنس از جمله رشد پستان، ظهور مو در اندام‌های جنسی، افزایش قد، رشد استخوانی و غیره می‌گردد. بنابراین عوامل مداخله‌گر اندوکرین که قادر به تغییر ترشح GnRH یا سایر سطوح هورمونی محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-گناد می‌باشند، قادر به تغییر در سن آغاز بلوغ نیز هستند.^{۲۰،۲۴}

فرآیند بازشدن واژن یک پدیده آپوپتوزی و شاخص مناسب برای بررسی سن آغاز بلوغ در جوندگان است. این پدیده در حدود سن بلوغ به دنبال فعال شدن کلیه سطوح محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-گناد و در نتیجه افزایش ترشح استرادیول اتفاق می‌افتد.^{۲۰} در این مطالعه، تسریع در بازشدن واژن مشاهده گردید که به نظر می‌رسد به علت تسریع در فعال‌سازی محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-گناد و در نتیجه ترشح زود هنگام هورمون استرادیول باشد. افزایش سطح هورمون استرادیول در موش‌های این مطالعه می‌تواند مؤید این فرآیند باشد. مطالعات جوندگان آزمایشگاهی تاییدکننده

این مطلب است که مواجهه استروژن یا ترکیبات استروژنیک با تاثیر بر سطوح هورمون‌های محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-گناد موجب تسریع در رشد و تکوین اندام‌های جنسی ماده شده و بلوغ را تسریع می‌بخشد.^{۸،۲۲،۲۳}

فرآیند جدایی پوست ختنه‌گاه یک نشانه عمده آغاز بلوغ در جوندگان نر است که به دنبال فرآیند شاخی‌شدن بافت پوششی سنگفرشی مطبق پوست ناحیه ختنه‌گاه پنیس اتفاق می‌افتد. این فرآیند یک شرط ضروری برای کسب انزال کامل و وابسته به آندروژن می‌باشد.^{۲۶} در این مطالعه، تاخیر در روز جدایی پوست ختنه‌گاه مشاهده گردید که به نظر می‌رسد به علت تاخیر در فعال‌سازی محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-گناد و در نتیجه تاخیر در ترشح هورمون تستوسترون باشد. کاهش سطح هورمون تستوسترون در موش‌های این مطالعه می‌تواند موید این روند باشد. مطالعات پیشین نشان داده‌اند که تیمار موش‌ها در دوره حاملگی و نوزادی با دی-اتیل‌استیل‌بسترول^۱ (یک ترکیب استروژنیک غیراستروئیدی) و عصاره الکی رازک (به عنوان یک گیاه غنی از فیتواستروژن) منجر به تاخیر در آغاز بلوغ جنسی گردیده است^{۱۷،۲۷،۲۸} که با مطالعه کنونی هم‌خوانی دارد.

در هیپوتالاموس جوندگان، هسته‌هایی با نورون‌های حساس به استروژن از جمله هسته پیش‌بطنی جلویی شکمی و هسته قوسیⁱⁱ وجود دارند که در کنترل عملکرد محور تولیدمثل از جمله تنظیم سن آغاز بلوغ و تنظیم چرخه استروس نقش دارند. نورون‌های این هسته‌ها، حاوی گیرنده‌های استروژن بوده و نسبت به تغییرات سطوح استروژن خون به‌ویژه در دوره نوزادی حساسیت زیادی دارند. تحقیقات پیشین نشان داده‌اند که آسیب به این هسته‌ها و نورون‌های موجود در آن‌ها زمان آغاز بلوغ و چرخه استروس جوندگان را مختل می‌کند.^{۸ و ۲۲-۲۰} بررسی‌ها نشان داده که این هسته‌ها به صورت دوشکلی جنسی می‌باشند. بروز این دوشکلی جنسی به سطوح پایین استروژن در دوره‌های بحرانی هورمونی از جمله نوزادی در جوندگان و اواخر جنینی در انسان بستگی دارد زیرا تجویز استروژن یا فیتواستروژن‌ها در موش‌های نوزاد باعث اختلال در ترشح هورمون‌های جنسی می‌گردد^{۷،۲۳،۲۹} که با توجه به افزایش سطح استرادیول و کاهش سطح تستوسترون سرم در مطالعه حاضر با آن هم‌خوانی دارد.

i - Diethylstilbestrol

ii - Arcuate nucleus

هورمون استرادیول به‌طور مستقیم به این هسته باعث بروز آن می‌گردد. تکمیل و تشکیل مدارهای نورونی در هسته هیپوتالاموسی شکمی میانی در طی دوران تکوین وابسته به غلظت پایین استروژن می‌باشد. نورون‌های این هسته به میزان زیادی گیرنده‌های استروژن را بیان می‌کنند. شواهد نشان می‌دهند که افزایش استروژن در طی دوره تکوین از تشکیل صحیح مدارهای نورونی این ناحیه جلوگیری کرده و منجر به کاهش یا سرکوب رفتار جنسی ماده می‌گردد.^{۲۹} کاهش فاکتور لوردوز و سرکوب رفتار جنسی در مطالعه حاضر در تیمارهای پیشین با جنیستین، کامسترول و رازیانه نیز مشاهده شده است.^{۸،۲۲،۲۶} همین‌طور هسته پره اپتیک میانیⁱⁱ یک هسته دوشکلی جنسی می‌باشد که در موش‌های نر تقریباً سه برابر بزرگتر از موش ماده بوده و مرکز کنترل رفتارهای جنسی نر می‌باشد. هرگونه آسیب به این ناحیه و کاهش نورون‌های آن منجر به سرکوب و تحریک آن و در نتیجه باعث برانگیختن رفتارهای جنسی نر می‌گردد. دلیل دوشکلی بودن این هسته حضور تستوسترون در دوران تکوینی اواخر جنینی و چند روز اول پس از تولد در جوندگان نر می‌باشد. در جوندگان ماده، فقدان تستوسترون در این دوران منجر به آپوپتوز نورون‌های این ناحیه هیپوتالاموسی و کاهش اندازه آن می‌گردد.^{۲۹} بنابراین به نظر می‌رسد در دوره‌های حساس هورمونی، ترکیب استروژنیک فورمونوتین بر روند نورون‌زایی هسته‌های کنترل کننده رفتار جنسی در هر دو جنس نر و ماده اثرات سوئی را اعمال می‌کند که نیاز به تحقیقات بیشتری دارد.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که حدود ۸۴ درصد مایع مصرفی موش‌های ماده گروه کنترل از محلول ساخارین و حدود ۱۶ درصد آب بود. اما فقط ۶/۵ درصد مایع مصرفی در موش‌های نر گروه کنترل از محلول ساخارین بود. این نتایج در توافق با برخی مطالعات دیگر می‌باشد که در آن‌ها میزان مصرف ساخارین در موش‌های ماده از نر بیشتر بوده و نشان‌دهنده دوشکلی جنسیتی این فعالیت است. در مطالعه-ای نشان داده شده است که تجویز اتینیل استرادیول در دوران تکوین قادر به ماده‌زدایی این فعالیت در موش‌های ماده می‌باشد که در هماهنگی با این مطالعه و تجویز با فورمونوتین با دوزهای بالاتر است.^{۲۴} به نظر می‌رسد این فعالیت می‌تواند ناشی از اثرات مستقیم فورمونوتین بر

به عنوان مثال هسته پیش‌بطنی جلویی شکمی در جنس ماده دارای اندازه بزرگتر و تعداد نورون‌های بیشتری نسبت به جنس نر می‌باشد. نورون‌های این هسته در کنترل تنظیم سن بلوغ و تنظیم چرخه استروس نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند. دوشکلی جنسی هسته پیش‌بطنی جلویی شکمی به واسطه حضور تستوسترون نوزادی و آروماتیزاسیون آن در مغز به استرادیول می‌باشد که منجر به ماده‌زدایی این هسته می‌گردد. وجود همین دوشکلی جنسی باعث به‌وجود آمدن مکانیسم بازخورد مثبت استرادیول و در نتیجه تولید موج GnRH/LH در جوندگان ماده و فقدان آن در جوندگان نر شده است. تجویز استرادیول یا ترکیبات شبه استروژن به نوزاد جوندگان ماده منجر به کاهش اندازه هسته و کاهش تعداد نورون‌های هسته پیش‌بطنی جلویی شکمی (نرینه سازی آن) و اخته‌سازی نوزاد نر، موجب ماده‌سازگی مغز آنها می‌گردد.^{۲۰} ممکن است که در دوره نوزادی، فورمونوتین به عنوان یک ترکیب استروژنیک با اتصال به گیرنده‌های استروژن در هیپوتالاموس از تشکیل و تکوین مدارهای عصبی حساس به استروژن کنترل کننده بلوغ و چرخه استروس جلوگیری کند.

فاصله آنورژنیال در هر دو جنس نر و ماده در گروه‌های تحت درمان نسبت به گروه کنترل تغییر معناداری نداشتند. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تجویز نوزادی فورمونوتین تاثیری بر فاصله آنورژنیال نداشته است. مطالعات پیشین نشان داده‌اند که تجویز فتالات‌ها که ترکیبات صنعتی مداخله-گر آندروژنیک هستند و تجویز ترکیباتی مثل بیس فنول آ و برخی حشره‌کش‌ها که دارای هر دو نوع فعالیت آندروژنیک و استروژنیک می‌باشند باعث کاهش فاصله آنورژنیال می‌شوند. همین‌طور این مطالعات نشان داده‌اند که این بیومارکر دوشکلی جنسی، بیشتر تحت تاثیر آندروژن‌ها در دوره جنینی می‌باشد تا دوره نوزادی.^{۲۱-۲۳}

نتایج این مطالعه حاکی از کاهش فاکتور لوردوز در موش‌های ماده و همچنین کاهش زمان سپری شده تا اولین مونت و تعداد مونت توسط موش‌های نر به‌ویژه با دوز ۵۰۰ فورمونوتین می‌باشد. هسته هیپوتالاموسی شکمی میانیⁱ مرکز کنترل رفتار جنسی جوندگان ماده است که یک هسته دوشکلی جنسی می‌باشد. آسیب به این هسته منجر به کاهش یا از بین رفتن این رفتار در جوندگان می‌گردد و تجویز

ii – Medial preoptic area (mPOA)

i - Ventromedial hypothalamic nucleus (VMN)

پره‌اپتیک میانی اشاره کرد که پیگیری آن‌ها در مطالعات آینده پیشنهاد می‌گردد.

در مجموع نتایج مطالعه حاضر پیشنهاد می‌کند که تجویز نوزادی فورمونونتین با تاثیر بر شاخص‌های دوشکلی جنسی از جمله زمان بندی سن آغاز بلوغ، چرخه استروس، رفتار جنسی، درصد ترجیح ساختارین و سطوح هورمونی ممکن است باعث مادینه‌زدایی^۱ و نرینه‌زدایی^۲ هسته‌ها و مدارهای نورونی حساس به استروژن در مغز گردد که مطالعات آن در آینده پیشنهاد می‌شود. همین‌طور به نظر می‌رسد اثرات مشاهده شده در جنس ماده شدیدتر از جنس نر باشد.

سپاسگزاری: این تحقیق با حمایت مالی دانشگاه پیام نور (گرنه اساتید: ابلاغیه شماره ۲/۷/۴۹۱۰۳) انجام شده است که بدین‌وسیله از معاونت محترم پژوهشی آن دانشگاه تشکر و قدردانی می‌گردد. تعارض منافع: نویسندگان اعلام می‌دارند هیچ‌گونه تضاد منافی در پژوهش حاضر وجود ندارد.

i- Defeminization

ii- Demasculinization

References

- Mostrom M, Evans TJ. Phytoestrogens. in: R.C. Gupta (Ed.) Reproductive and developmental toxicology. Academic Press/Elsevier, London; 2011: 707-22.
- Sirotkin AV, Harrath AH. Phytoestrogens and their effects. Eur J Pharmacol 2014; 741: 230-6.
- Jefferson WN, Patisaul HB, Williams CJ. Reproductive consequences of developmental phytoestrogen exposure. Reproduction 2012; 143: 247-60.
- Patisaul HB. Endocrine disruption by dietary phytoestrogens: impact on dimorphic sexual systems and behaviours. Proc Nutr Soc 2017; 76: 130-44.
- Lephart ED, West TW, Weber KS, Rhees RW, Setchell KD, Adlercreutz H, et al. Neurobehavioral effects of dietary soy phytoestrogens. Neurotoxicol Teratol 2002; 24: 5-16.
- Patisaul HB, Jefferson W. The pros and cons of phytoestrogens. Front Neuroendocrinol 2010; 31: 400-19.
- Henry LA, Witt DM. Effects of neonatal resveratrol exposure on adult male and female reproductive physiology and behavior. Dev Neurosci 2006; 28: 186-95.
- Kouki T, Okamoto M, Wada S, Kishitake M, Yamamoto K. Suppressive effect of neonatal treatment with a phytoestrogen, coumestrol, on lordosis and estrous cycle in female rats. Brain Res Bull 2005; 64: 449-54.
- Kaczmarczyk-Sedlak I, Wojnar W, Zych M, Ozimina-Kamińska E, Taranowicz J, Siwek A. Effect of formononetin on mechanical properties and chemical composition of bones in rats with ovariectomy-induced osteoporosis. Evid Based Complement Alternat Med 2013; 2013: 457052.
- Pourmoradi S, Jafari AA. Evaluation of herbage yield and quality in varieties of red clover cultivated in rangelands of Mazandaran province, Iran. Iranian Journal of Range and Desert Research 2015; 22: 121-30. [Farsi]
- Mu H, Bai YH, Wang ST, Zhu ZM, Zhang YW. Research on antioxidant effects and estrogenic effect of formononetin from Trifolium pratense (red clover). Phytomedicine 2009; 16: 314-9.
- Gautam J, Khedgikar V, Kushwaha P, Choudhary D, Nagar GK, Dev K, et al. Formononetin, an isoflavone, activates AMP-activated protein kinase/ β -catenin signalling to inhibit adipogenesis and rescues C57BL/6 mice from high-fat diet-induced obesity and bone loss. Br J Nutr 2017; 117: 645-61.
- Li S, Dang Y, Zhou X, Huang B, Huang X, Zhang Z, et al. Formononetin promotes angiogenesis through the estrogen receptor alpha-enhanced ROCK pathway. Sci Rep 2015; 5: 16815.
- Zhou Y, Zhu W, Guo Z, Zhao Y, Song Z, Xiao J. Effects of maternal nuclear genome on the timing of puberty in mice offspring. J Endocrinol 2007; 193: 405-12.
- Parandin R, Daroogari Sh. The Effect of Alcoholic Extract of Humulus Lupulus During Pregnancy and Lactation on Sexual Maturation and Some Reproductive Indices in Male Rats. JBUMS 2018; 20: 43-9. [Farsi]
- Parandin R, Yousofvand N. In Utero and Lactational Effects of Aqueous Foeniculum Vulgare (Fennel) Seed Extract on Puberty Timing, Estrus Cycle and Sexual Behavior in Mice. J Arak Uni Med Sci 2018; 20: 1-12. [Farsi]
- Liu C, Xu X, Huo X. Anogenital distance and its application in environmental health research. Environ Sci Pollut Res 2014; 21: 2457-64.
- Dean A, Smith LB, Macpherson S, Sharpe RM. The effect of dihydrotestosterone exposure during or prior to the masculinization programming window on repro-

نواحی مغزی باشد که این رفتار را کنترل می‌کنند یا می‌تواند ناشی از اثرات فورمونونتین بر محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-گناد، چرخه استروس یا سطح هورمون استرادیول باشد که نیاز به مطالعه بیشتر دارد. هم‌چنین، در مطالعه دیگری نشان داده شده است که تجویز مخلوطی از بی‌فنیل-های پلی‌کلرینات در دوران تکوین موش‌های نر، علاوه بر کاهش آنزیم آروماتاز هیپوتالاموس (تبدیل‌کننده تستوسترون به استرادیول) و کاهش سطح هورمون تستوسترون منجر به مادینه شدن و افزایش مصرف شیرین-کننده شده است. ولی در مطالعه حاضر در موش‌های نر افزایش جزئی در مصرف شیرین‌کننده مشاهده گردید که معنادار نبود. به نظر می‌رسد که اثرات فورمونونتین در این رفتار بیشتر در موش‌های ماده و نه نر موثر باشد.^{۳۰}

از جمله محدودیت‌های مطالعه حاضر می‌توان به عدم مطالعات ایمونوهیستوشیمی، شمارش نورونی و بیان ژن-های مرتبط در هسته‌های دوشکلی جنسی مغز از جمله هسته‌ی پیش‌بطنی جلویی شکمی، هسته‌ی قوسی و هسته‌ی

- ductive development in male and female rats. *Int J Androl* 2012; 35: 330-39.
19. Sclafani A, Bahrani M, Zukerman S, Ackroff K. Stevia and saccharin preferences in rats and mice. *Chem Senses* 2010; 35: 433-43.
 20. Ebling FJ. The neuroendocrine timing of puberty. *Reproduction* 2005; 129: 675-83.
 21. Foster PM, McIntyre BS. Endocrine active agents: implications of adverse and nonadverse changes. *Toxicol Pathol* 2002; 30: 59-65.
 22. Kouki T, Kishitake M, Okamoto M, Oosuka I, Takebe M, Yamanouchi K. Effects of neonatal treatment with phytoestrogens, genistein and daidzein, on sex difference in female rat brain function: estrous cycle and lordosis. *Horm Behav* 2003; 44: 140-5.
 23. Parandin R, Behnam-Rassouli M, Mahdavi-Shahri N. Effects of Neonatal Exposure to Zearalenone on Puberty Timing, Hypothalamic Nuclei of AVPV and ARC, and Reproductive Functions in Female Mice. *Reprod Sci* 2017; 24: 1293-303.
 24. Ozen S, Darcan S. Effects of environmental endocrine disruptors on pubertal development. *J Clin Res Pediatr Endocrinol* 2011; 3: 1-6.
 25. Ksheerasagar RL, Kaliwal BB. Effects of carbosulfan administration schedules on estrous cycle and follicular dynamics in albino mice. *Ind Health* 2008; 46: 210-6.
 26. Mathias FT, Romano RM, Sleiman HK, de Oliveira CA, Romano MA. Herbicide metolachlor causes changes in reproductive endocrinology of male wistar rats. *ISRN Toxicol* 2012; 2012: 130846.
 27. Yoshimura S, Yamaguchi H, Konno K, Ohsawa N, Noguchi S, Chisaka A. Observation of preputial separation is a useful tool for evaluating endocrine active chemicals. *J Toxicol Pathol* 2005; 18: 141-57.
 28. Zawatski W, Lee MM. Male pubertal development: are endocrine-disrupting compounds shifting the norms. *J Endocrinol* 2013; 218: 1-12.
 29. McCarthy MM. Estradiol and the developing brain. *Physiol Rev* 2008; 88: 91-124.
 30. d'Anglemont de Tassigny X, Colledge WH. The role of kisspeptin signaling in reproduction. *Physiology (Bethesda)* 2010; 25: 207-17.
 31. Liu C, Xu X, Huo X. Anogenital distance and its application in environmental health research. *Environ Sci Pollut Res* 2014; 21: 2457-64.
 32. Hsieh MH, Breyer BN, Eisenberg ML, Baskin LS. Associations among hypospadias, cryptorchidism, anogenital distance, and endocrine disruption. *Curr Urol Rep* 2008; 9: 137-42.
 33. Honmaa S, Suzukib A, Buchananb DL, Katsub Y, Watanabeb H, Iguchi T. Low dose effect of in utero exposure to bisphenol A and diethylstilbestrol on female mouse reproduction. *Reprod Toxicol* 2002; 16: 117-22.
 34. Ryan BC, Hotchkiss AK, Crofton KM, Gray LE Jr. In utero and lactational exposure to bisphenol A, in contrast to ethinyl estradiol, does not alter sexually dimorphic behavior, puberty, fertility, and anatomy of female LE rats. *Toxicol Sci* 2010; 114: 133-48.
 35. Kaya H, Hany J, Fastabend A, Roth-Härer A, Winneke G, Lilienthal H. Effects of maternal exposure to a reconstituted mixture of polychlorinated biphenyls on sex-dependent behaviors and steroid hormone concentrations in rats: dose-response relationship. *Toxicol Appl Pharmacol* 2002; 178: 71-81.

Original Article

The Effects of Neonatal Exposure of Formononetin Drived from Red Clover on Some Parameters of Sexually Dimorphic of Mice

Parandin R, Mohammadi L

Department of Biology, Faculty of Sciences, Payame Noor University, Tehran, I.R. Iran

e-mail: rparandin@gmail.com

Received: 30/09/2018 Accepted: 12/03/2019

Abstract

Introduction: Formononetin is a phytoestrogen found in plants such as red clover (*Trifolium pratense*), which has a chemical structure similar to the estradiol hormone. The aim of this study was to investigate the effects of formononetin derived from red clover on sexual dimorphic indices in mice during neonatal life. **Materials and Methods:** In this experimental study, male and female neonate mice were randomly divided into the control, vehicle and 3 groups (n=8) received formononetin subcutaneously at doses of 5, 50 and 500 mg/kg body weight on days 1-5 after birth. After examining the puberty timing, parameters of estrus cycle, anogenital distance, sexual behavior, preferred saccharin and sex hormones were also investigated. The data were analyzed by SPSS statistical software and OneWay ANOVA test. Significance was shown at p values<0.05. **Results:** Puberty in females was significantly advanced by 500 mg/kg (p<0.01) and in male mice was delayed by 50 (p<0.05) and 500 mg/kg formonotonin (p<0.01). Mean duration of estrus cycle increased in 500 mg/kg formonotonin (p<0.05). Lordosis and mount numbers in 500 (p<0.001) decreased and the mean latency to the first mounts increased by 500 formonotonin (p<0.001). Percentage of saccharin preference increased by 50 (p<0.05) and 500 mg/kg formonotonin (p<0.01) in female mice. In addition, estradiol level in 50 (p<0.01) and 500 mg/kg (p<0.001) doses decreased and testosterone level in 500 formonotonin mg/kg (p<0.01) decreased, compared with controls. **Conclusion:** The results of this study show that the administration of formonotonin during the neonatal period of mice has the potential to cause development of sexual dimorphism parameters.

Keywords: Formonotonin, Sexually dimorphic, Estrogen, Mice